

## تربیت در نهج البلاغه از نگاه استاد شهید مرتضی مطهری

سید نورالدین حسینی

۱. ابواب جمعی اداره آموزش و پرورش، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، ایران

Seidnoor14@gmail.com

### چکیده

سابقه و هدف: هدف از بیان اندیشه‌ها و آرای تربیتی این دانشمند و محقق بزرگ جهان اسلام در زمینه اهداف، اصول، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی در تعلیم و تربیت است که معلمان عزیز با نظرهای ارجمند ایشان که در بستر پر بار فرهنگ اسلامی پرورش یافته است، بیشتر آشنا شوند تا با الهام از تفکرات وی که رهنمود و راهگشا برای معلمان است، اراده راسخ آنان در تعلیم شاگردان راسخ‌تر شود. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی<sup>۱</sup> است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته‌های محقق استفاده شده است.

یافته‌ها: از نظر این پژوهش مطهری به عنوان یک متفکر بزرگ اسلامی معاصر نه تنها در زمینه‌های فقهی، فلسفی و کلامی در زمینه تعلیم و تربیت نظریاتی مدلل و معقول بیان داشته است. او در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» عقاید و نظریات تربیتی خود را بیان کرده است. اصولاً به نظر استاد هر مکتب فکری که اهداف معین و مقررات همه جانبه‌ای دارد. دارای نظام حقوقی، سیاسی و مانند آن است، ممکن نیست نظام آموزشی و تربیتی نداشته باشد. از این رو، در مکتب انسان ساز اسلام که در آن هم اصالت افراد محفوظ است و هم اصالت جامعه، بدون شک باید برنامه‌ای برای ساختن افراد داشته باشیم.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که ز قدیم‌الایام تعلیم و تربیت مورد توجه متفکران بوده و به یک معنا مباحث آن آشنا و حتی گاه تکراری است. اما علی‌القاعده استاد مطهری با توجه به ظرفیت‌های فکری قابل توجه، باید در این میدان نیز حرف‌های قابل توجه و شنیدنی داشته باشد. خصوصاً اینکه او دغدغه مقتضیات عصر را داشته و به تعبیر خودش در مقدمه کتاب «عدل الهی» در طول ۲۰ سال که قلم می‌زند، در همه‌ی نوشته‌ها، حل مشکلات و پاسخگویی به سوالاتی که در زمینه‌ی مسائل اسلام در عصر ما مطرح اند را هدف قرار داده است. نکته‌ی مهمی که جا دارد در حد یک مکتوب مستقل بدان پرداخته شود، آن است که نگاه استاد در موارد عیدیه‌ای به مریبان

<sup>1</sup> analytic-descriptive

یا متربیان و ... «آسیب شناسانه» بود. بدین معنا که صرفاً به طرح و بسط مطالب موجود اکتفا نمی‌نمودند، بلکه به مشکلات، خطرات احتمالی و نقایص شیوه‌های موجود تربیتی، یک نگاه تاریخی، جامعه شناسانه زنده و فعال داشتند.

واژگان کلیدی: تربیت، نهج البلاغه، استاد شهید مرتضی مطهری.

---

**مقدمه**

بررسی نظرات و آرای تربیتی علامه شهید مطهری، مشخص می سازد که آراء ایشان در خصوص تربیت، از مکتب تربیتی اسلام الهام گرفته است [۱]. شهید مطهری، تربیت را پرورش استعدادهای درونی و به فعلیت درآوردن آنها می داند. ماهیت تربیت از دید شهید مطهری امری متعالی و قدسی است و معیار تشخیص حسن و قبح اعمال تربیتی با فطرت و عقل می باشد [۲]. شهید مطهری بر اساس کلمات قصار حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، معتقد است که در تربیت باید دل ها را از ناحیه میل آنها به دست آورد و مربی باید کوشش کند که میل قلب را پرورش دهد و به زور متوسل نشود. ترس از ارباب و تنبیه در انسان عامل تربیت نیستند ولی برای تربیت لازم اند. ایشان معتقدند که محتوی مناسب برای تربیت در نظر امام علی (ع)، برگرفته از آیات الهی است [۳].

**روش پژوهش**

روش پژوهش در این مطالعه از نظر ماهیت، کیفی و از نقطه نظر، شیوه ی گردآوری اطلاعات، از نوع کتابخانه ای-اسنادی است. روند انجام پژوهش نخست با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط داخلی و خارجی در زمینه ی موضوع پژوهش انجام گرفت. پس از آن، ضمن بررسی محورهای اساسی، کلیدواژه ها و مفاهیم بنیادی آن گزیده شدند؛ و در ادامه به جایگاه و ارتباط مفاهیم پرداخته شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و و کتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنا تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است. روش تحقیق به منظور وصول به اهداف، روش توصیفی - تحلیلی است که در آن ضمن توصیف اطلاعات جمع آوری شده، اطلاعات نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه ای صورت گرفته است. در این روش اطلاعاتی گردآوری می شود که به لحاظ ماهیت کیفی اند و در کتابخانه نگهداری می شوند. منابع کتابخانه ای مورد استفاده عبارتند از کتاب، مقاله و دیگر آثار مکتوب اعم از کاغذی و الکترونیکی و بخشی از گردآوری اطلاعات در روش مذکور از طریق فیش نویسی صورت گرفته است. در شیوه پردازش اطلاعات عمدتاً از استنتاج یا استدلال استفاده شده است. برای سازماندهی هرچه بهتر تحقیق بر اساس سوالات اصلی و فرعی، ابتدا مفهوم شناسی موضوع و سپس تحلیل محتوا مورد بحث قرار می گیرد و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

**مبانی نظری****تربیت پذیری انسان**

از نگاه استاد، قرآن، انسان را موجودی می شناسد، مرکب از بدن و روح که هویت الهی دارد ( و نفخت فیه من روحی) (حجر / ۲۹) و این روح، زاییده عنصر مادی وجود او است، (ثم أنشأناه خلقاً آخر) ولی نباید در دامن مادر طبیعت محبوس بماند، بلکه باید راه تکامل را بییماید و گرنه در (اسفل سافلین) که چهره آن جهانی اش جهنم است: (فأَمَّهُ هَٰوِيَةٌ) (قارعه / ۹) باقی می ماند. انسان در بعد الهی خود، از آغاز آفرینش، برخوردار از فطرت متعالی و انسانی می باشد. حقیقت فطرت عبارت است از ویژگی های انسانی و گرایش های فطری ۷ مانند دین خواهی، حقیقت جویی، زیبایی دوستی، گرایش به پرسش و علاقه مندی به اخلاق که بالقوه موقع تولد در انسان وجود دارند و باید به فعلیت رسیده، راه رشد را طی کنند. قرآن در این باره می فرماید: (فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ) روم / ۳۰ پس روی خود را متوجه آیین ناب کن! این فطرتی است که خداوند، انسان را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار. قرآن جهان را در خدمت

تربیت انسان دانسته است و در پرتو مطالعه کتاب هستی، باور به غیب و شناخت عقلانی و علمی آفریدگار هستی که آمیزه ای از رشد حقیقت جویی و تقرب به خداوند است، رشد و تربیت انسان را تحقق پذیر می داند: (دستگاه عقل و فکر انسان از راه حس، قوام و مایه و قوت می گیرد [۴]. راه عبور به معقولات از میان محسوسات می گذرد، و به همین دلیل، قرآن دعوت به تدبر در همین محسوسات کرده است، زیرا از همین محسوسات باید به معقولات پی برد، ولی نباید در عالم محسوس متوقف شد. این شهادت، ظهوری است از غیب و آیه، نشانه و علامتی است برای غیب. آیه را در جایی می گویند که یک چیز ماهیتش اشاره به جای دیگر باشد، پس عالم اصلاً وجودش وجود علامتی است و یک مطلبی را دارد به ما می فهماند... اگر انسان خودش را آن چنان که هست بشناسد، به عالم ملکوت آشنا شده و عالم ملکوت را شناخته است: (إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ. وَ فِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ) جائیه/۳-۴ (بدین دلیل که در طبیعت آیات و نشانه های الهی، اقتضای رشد و تعالی نهفته است، نگاه تعالی طلبانه به جهان می تواند رشد و تکامل انسان را در پی آورد. [۵].

### بعثت، و پرورش انسان

شهید مطهری فلسفه بعثت را نیز در حوزه تربیت انسان جست و جو می کند و در پی این است که ارتباط غیب را با انسان از طریق وحی بر مبنای نیاز او به رشد و تکامل تحلیل نماید و این مطلب را به عنوان یک واقعیت قرآنی و قابل مطالعه در سخنان خداوند مطرح می کند: (رب، در قرآن گرچه برگرفته شده از (رب) به معنای خداوندگاری است و نه (ربو) و (ربی) به معنای پرورش، ولی هیچ یک از تربیت و صاحب اختیاری به تنهایی نمی تواند رساننده معنی رب باشد، در معنای رب هم خداوندگاری نهفته است و هم مربی. خداوند، هم کمال رسان است و هم صاحب اختیار عالم طبیعت. و ماده، هم مخلوق خداوند است و هم مربوب او، هیچ کدام از عوالم ماده کامل آفریده نشده و خداوند همه را در این جهان به کمال نهایی می رساند و رب العالمین است [۶]. اصولاً این جهان، جهان پرورش است، انسان ها اعم از خوب و بد همگی در حال پرورش یافتن هستند. ارسال پیامبران، مظهر اسم (رب) است، از این رو قرآن می فرماید: (إِنَّا كُنَّا مَرْسَلِينَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ) (دخان/ ۶ - ۵) یعنی این پروردگار تو و پرورش دهنده آسمان ها و زمین به حکم اینکه (رب) و پرورش دهنده است، پیغمبران را برای تکمیل و تربیت استعدادهای بشر فرستاده است. خداوند می خواهد بشر را تربیت کند، مکتب تربیتی و مکتب تکمیلی فرستاده و به پیامبر می گوید: بگیر وحی را و این وسیله تربیت و تکمیل را (اقرأ باسم ربك الذي خلق... اقرأ و ربك الأكرم) (علق/ ۲) با توجه به اینکه دین ریشه در فطرت انسان ها دارد و گرایش هایی را که با آفرینش آنها پدید می آیند، توضیح می دهد [۷].

### معنی شناسی تربیت

جاودانگی و همه زمانی بودن درک ها و گرایش های فطری، اساس انسانیت و تحقق دهنده معنای آن است که: (اصل لغت تربیت، اگر به کار برده می شود چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه بر همین اساس است، چون تربیت یعنی رشد دادن و پرورش دادن و این مبنی بر قبول کردن یک سلسله استعدادها... و یک سلسله ویژگی ها در انسان است. [۸] (اگر استعدادی در یک شیء نیست بدیهی است که آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی شود آن را پرورش داد. (ولی با پذیرش فطرت، انسانیت، تربیت و تکامل انسانیت، معنی پیدا می کند. استاد بر اساس چنین تحلیلی، تبیین ارزش ها و تکامل را در فلسفه های مادی، اعم از اگزیستانسیالیسم و کمونیسم به نقد می کشد و می گوید: (اگزیستانسیالیست ها که واقعیت قابل تحصیل را سود مادی می دانند و دنبال نمودن غیر آن را نامعقول می شمارند و در عین حال ارزش ها را اشیاء آفریدنی دانسته اند و نه واقعیت های کشف کردنی، مقصود شان یقیناً ایجاد واقعیت های معنوی نیست، زیرا آنها منکر واقعیت داشتن معنویات اند، بنابراین مقصود از (آفریدن ارزش ها) اعتبار ارزش است در عدالت [مثلاً] که نقطه مقابل ظلم می باشد تا آن را به عنوان هدف بشناسد و این شبیه پرستش موجود دست ساز خود است که بت پرست ها انجام می دادند، در صورتی که هدف باید چیزی باشد که در مرحله بالاتر قرار دارد و انسان تلاش می کند که به آن برسد. [۹]

## واقعیت ملکات اخلاقی

استاد، فطریات را استعدادهایی می داند که در انسان بدوی وحشی، هنوز خواب هستند، و اگر وارد حوزه تصور گردند، بدون نیازی به دلیل و استدلال به صورت فطری مورد تصدیق قرار می گیرند. همین استعدادها وقتی تربیت می یابند [۱۰] تبدیل به خوی ها و خصلت های اکتسابی می شوند. واقعیت خوی، عادت و ملکات که محصول تربیت است در کلام استاد با نوعی از تردید همراه است. ایشان پس از اشاره به سخن ارسطو که ملکات را کیفیات نفسانی نه چندان قابل تعریف می داند، و سخن افلاطون و سقراط که تنها علم و آموزش را درامر اصلاح کافی می داند، می فرماید: (در اینجا، نظریه دیگری هم می شود ابراز کرد که به نوعی جمع بین نظریه ارسطو و افلاطون است، و آن این است که ملکات، ازدیاد علم است؛ علم مراتبی دارد، یعنی این چیزی که ما در شعور آگاهمان به آن علم می گوئیم، یک درجه ای از علم است، انسان وقتی زیاد ممارست می کند بر یک چیز، ملکه می شود، آن علم است که رسوخ بیشتر پیدا کرده است. علامه طباطبایی بر این مطلب تأکید دارد.) بر اساس این سخن استاد، تربیت در حقیقت تلاشی است در جهت افزایش ممارست که افزایش آگاهی را در پی دارد، مرتبه بالای چنین آگاهی، خوی، عادت و ملکه نامیده می شود [۱۱].

## اهداف و مبانی تربیت

شناسایی و شناساندن هدف تربیت، از سرفصل های عمده فلسفه آموزش و پرورش و از عوامل هدایت کننده اقدامات تربیتی به حساب می آید. شهید مطهری، ضمن طرح اهداف حقیقی و خیالی زندگی به این نتیجه می رسد که آخرین هدف و آرمان اصلی در اسلام جز خدا چیزی دیگری نیست، سایر هدف ها زاییده این هدف و هر کدام منزلی از منازل است نه سر منزل، لذا عبادت هم، چنین است، قرآن می فرماید: (اقم الصلوة لذكری) طه/۱۴ نماز را برای یاد و ذکر من به پا دار. استاد تمام هدفگیری های صحنه زندگی را، بازتاب خداجویی می شناسد. جهت توضیح هر چه بیشتر مطلب، پاسخ ایشان را به این پرسش که چرا انسان تنوع طلب است می خوانیم: (تحلیل صحیح این مطلب این است که انسان اگر به آن چیزی که مطلوب حقیقی و واقعی او است برسد آرام می گیرد. [۱۲] سرگردانی انسان، ناشی از این است که آن حقیقت را به صورت مبهم می خواهد و برای او تلاش می کند. به یک چیز می رسد خیال می کند این، همان است، ولی یک مدتی که از نزدیک او را بو می کند، فطرتش او را رد می کند، می رود سراغ چیز دیگر... این است که قرآن می فرماید: (الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب) (رعد/۲۸)، یعنی تنها با یاد خدا دلها آرام می گیرد.) ایشان یاد خدا را هدفی می شناسد که با آبیاری آن، تعقل و احساسات نیز رو به رشد می گذارند و با کسب درجات قرب پروردگار، علم، قدرت، حیات، اراده، مشیت و نفوذ نیز تکامل پیدا می کنند. بیاد خدا همان گونه که هدف اساسی تربیت قرآنی شمرده شده است، اساسی ترین پایه و مبنای نظام تربیتی دین نیز به حساب می آید [۱۳].

## بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که شهید مطهری معتقد است که مربی باید خود، انسان کامل و واصل به مدارج عالی انسانیت بوده و پیش از آنکه به تربیت دیگران بپردازد به تعلیم و تربیت خویش همت گمارد. شهید مطهری، به نظریه عادت در تربیت معتقد بوده و می فرمایند عادت، ساختن است ولی پرورش نیست برخی اخلاقیات ف اموری ساختنی است و باید عادت بشود. شهید مطهری اصل تشویق و تنبیه را در تربیت لازم می داند و معتقد است که مربی باید کاملاً از علت تشویق و تنبیه آگاه باشد.

این مطالعه نشان داد، بررسی نظرات و آرای تربیتی علامه شهید مطهری، مشخص می سازد که آراء ایشان در خصوص تربیت، از مکتب تربیتی اسلام الهام گرفته است. شهید مطهری، تربیت را پرورش استعدادهای درونی و به فعلیت درآوردن آنها می داند. ماهیت تربیت از دید شهید مطهری امری متعالی و قدسی است و معیار تشخیص حسن و قبح اعمال تربیتی با فطرت و عقل می باشد. شهید مطهری بر اساس کلمات قصار حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، معتقد است که در تربیت باید دل ها را از ناحیه میل آنها به دست آورد و مربی باید کوشش کند که میل قلب را پرورش دهد و به زور متوسل نشود. ترس از ارباب و تنبیه در انسان

عامل تربیت نیستند ولی برای تربیت لازم اند. ایشان معتقدند که محتوی مناسب برای تربیت در نظر امام علی (ع)، برگرفته از آیات الهی است. شهید مطهری معتقد است که مربی باید خود، انسان کامل و واصل به مدارج عالی انسانیت بوده و پیش از آنکه به تربیت دیگران پردازد به تعلیم و تربیت خویش همت گمارد. شهید مطهری، به نظریه عادت در تربیت معتقد بوده و می فرماید عادت، ساختن است ولی پرورش نیست برخی اخلاقیات، اموری ساختنی است و باید عادت بشود. شهید مطهری اصل تشویق و تنبیه را در تربیت لازم می داند و معتقد است که مربی باید کاملاً از علت تشویق و تنبیه آگاه باشد.

#### منابع و مأخذ

۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ ...
۲. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا، ۱۳۹۴ ...
۳. مطهری، مرتضی، حکمت و اندرزها \_ انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ ...
۴. مطهری، مرتضی، ده گفتار انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ ...
۵. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ...
۶. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا ۱۳۷۹،
۷. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلامی، ۱۳۸۰، چاپ ۳۷، انتشارات صدرا،
۸. فصلنامه علمی، آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال ۴، شماره ۱۰، زمستان ۸۵.
۹. فصلنامه علمی، آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال ۴، شماره ۱۱، بهار ۸۶.
۱۰. فصلنامه علمی، آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال ۵، شماره ۱۴، ۸۶/۹.
۱۱. ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش تربیت، سال ۲۲، شماره ۲، ۸۵/۸.
۱۲. ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش تربیت، سال ۲۲، شماره ۵، ۸۵/۱۱.
۱۳. ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش تربیت، سال ۲۲، شماره ۹، ۸۶/۳.